هفته نامه

# نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

«فوق العاده»

سال سوم، شماره ۴۳، ۴ شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۷

# حماسهٔ اتحاد و قیام خلق

تظاهرات خیره کننده چند میلیون نفری مردم ایران علیه رژیم استبدادی وضد خلقی شاه، حادثهٔ عظیمی است که پایان یک دوره بزرگ تاریخ را در تاریخ معاصر میهن ما تشکیل می کند. این حادثه که شهرها را به آتشفشانی بر موج والاطم انسانی به جنگ سرسپرده رژیم، توده ای از مشت های گره کرده بدل کرد به روشنی نشان داد که موازنه نیروها در جامعهٔ ایران به شدت به هم خورده و وجود هسته حکومتی، نظام سیاسی واقتصادی حاکم، در برخورد با واقعیت ها و ضرورت ها، ناتوان واطلج و پوسیده از آب درآمده ولزوم تغییر وتحول بنیادی در همه سطوح وشئون اجتماعی وسیاسی واقتصادی وفرهنگی، مبرم ترین وتنفس ناپذیرترین واقعیت روزاست...

تاریخ معاصر ایران روز دوشنبه ۱۲ شهریور ماه را به عنوان روز حماسه توده های قیام کنندهٔ ایران که با دستهای خالی بشکست رژیم خدمطی، ضد دموکراتیک وبیگانه به امپریالیسم جهانخوار انجامیدند و این ضربه هزار چهره را در اعتبار جهانیان رسوا و عریان کردند، ثبت خواهد کرد. در آن روز آنچه که در تئوری وآرزو وسخن جستند و جو می شد، واقعیت یافت ومردم در عظیم ترین قیام خود یگانه شدند. همه قشرها وطبقات وگروه ها وسازمان های ضد سلطنت طلقه، ضد رژیم استثنائی وغارت وسرکوب، صرف نظر از اختلافات طبقاتی وسلیقه مطلق رژیم جدایی های طبقاتی وفکری وسیاسی ومذهبی به هم پیوستند و نیروی جاودانه وسهمناک این پیوند خلقی را نمایش دادند.

تظاهرات وراه پیمایی عظیم روز ۱۲ شهریور با ویژگی های انقلابی و شعر بخش خود، حاوی درسها و سرمشق های آموزنده وگرانبهاری است. پیشاپیش جنبه های مختلف و آموزنده این حادثه، باین معنی برملا می شود که چه قدرت وحرکت عظیمی در پشت سد های دیکتاتوری محبوس مانده است. قدرت وحرکتی که از جرأت ترین ارتش ها کارساز تر است، واگر در مسیر مناسب خود افتد، هر صخره و کوهی را از پیش پا بر می دارد. در این نیرو وحرکت می توان عزم وجهش و تکرر نیروی تازه ای را با اعتماد وایمان تدارک دید...

وجوه گوناگون تجربه شورانگیز ۱۲ شهریور ماه را بررسی کنیم:

۱- نظم بی نظیر تظاهرات مردم با همه دامنه های گسترده آن نشان داد که بلوغ سیاسی وفرهنگی خلق های ما در چه مرتبه تحسین انگیزی است. نشان داد که مردم در تظاهرات سیاسی واعتراضی خود همیشه نمی شکنند. مستانه آتش نمی زنند، به کوچه ها نظم و ردیف بوار ساختمان ها هجوم نمی برند. بدر این ماجراجویی ها وحادثه آفرینی ها رانه در عقم وعزیزی مردم بلکه در وظیفه ها و خرابکاری های عمال ساواک، جاسوسان و مزدوران رژیم باید جست وپیوگرد. چرا که این گونه اقدامات تنها به دشمن خدمت می کند و به او امکان میدهد که جلو نیروی توان خلق را در انظار مردم جهان بد نام کند وزمینه سرکوب خونین و دستمالی آن را فراهم آورد.

۲- تظاهرات وراه پیمایی تاریخی مردم ایران در روز ۱۲ شهریور در اکثر شهرها مؤید این حقیقت است که این مردم نیستند که باعث به خاک وخون کشیده شدن نمایشات اعتراضی واحتجاجات مخالف رژیم می شوند. وقتی مردم خود نظم متینگ ها وسلوکش خویش را بر عهده داشتند - هر جا که گزارهای مسلح رژیم در مخالفت وخصومت با مردم نیز یک سنگ خون آمد، نه دست وسری شکست ونه سنگی برتاب شد وچوبی بالا رفت. مردم برای ابراز خواست های حقه وسیاسی خود، زبان مناسب را می شناسند. نامایه گرانی که نمی خواهند این صدای حقیقت و مردمی به گوش ما برسد، در خنین گلوله های خود، در هجوم تانک ها و زره پوش های خود می کوشند این صدای برحق را خاموش وسکوت سازند.

۳- نمایش عظیم خلق های ایران نشان داد که رژیم شاه ناچه حد منزوی وبی پایگاه است. سال ها دروغ وریاکاری وظلمات بر سر وصدا، در طی یک نمایش ۱۶ ساعته طی قسمت شد واین صدای شاه که "تنها چند نفری هستند که به مخالفت برخاسته اند" به صورت بزرگترین کذبی سال در برابر انظار جهانیان ظاهر شد. جهانیان دانستند که بین شاه ومردم ما، طی به طول ۲۵ سال بین غرفاصله است وآن کس که در سنگر شاه است به سوی خلق های ایران آتش می گشاید.

۴- تظاهرات میلیونی توده ها مبیوت درونی وجدانی تابید بسر ارتش برابه مثابه جزئی از پیکر خلق تاکید کرد. تظاهرکنندگان با شعار های "برادر ارتشی، چرا برادر رکشی؟" وبعد ان برادران نظامی خود را در برابر پرسوال بزرگ قرار دادند وآن هزاران به یک تجدید نظر به بررسی و تعمق دوباره دعوت کردند. وقتی ده ها هزاران دهان، فریاد زد "ارتش تو مال مایی"... و هزاران سد، هزاران شاخه و حلقه گل را به سوی سربازان و به گردن آنان انداختند، چهره سربازان و بسیاری از افسران شریف فرق اشک شد. مردم به روی نظامیان آتش گشودند وفریاد زدند:

- سرباز تیمی گاهی، امسود سد شاهی.

- برادر ارتشی، چرا برادر رکشی؟

و برادران از تنی در آتش مردم خود گریستند ها آنها همدم ا شدند. مردم افسران را بر سر دست بلند کردند. در آن گرمای سوزان تابستانی دست های خلق به آنها آب خنک وشربت دادند. لیفتد های فرقه در اشک مردم به صورت آنها پاشیده شد وبدهای بخش کرده، فریاد زدند:

- لوله های تفنگ را به سوی دریا برگردانید. ما وشما همه خصوصی نداریم با دشمن مشترک ما وسیمین با آنهاست...

خیابانها صحنه ملاقات تازهٔ ارتش وخلق شد. دوستان و برادران دوباره یکدیگر را یافتند.

۵- خلق های ایران پس از سالهای نسبتاً بد بدوباره خود را یافتند و نیروی لا ازال خویش را کشف کردند. آنها در اتحاد و همگامی خویش به معجزه ای دست یافتند که با تکیه بر آن شکستن دیوارهای قطور استبداد در قرون سلطنتی و واژگون کردن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه امری قطعی وبدیهی به نظر می آید.

و سرانجام، سیلی که در روز جمعه قطره به جریان افتاد، نمی تواند امواج نیرومند تروکننده تری را در پشت سر داشته باشد. این نخستین موج های توانا و سازنده انقلاب است که بر می خیزد...

# برخی از خصوصیات جنبش انقلابی ایران

در حالی که رژیم با هرده ها وادعاهای آزادیخواهانه، گوش ها را کرکرده، معترضان را بزندان شاه، با آتش وگلوله و سرنیزه، مردم بی سلاح را در شهرها وروستاها قتل عام می کند. تنها در هفته های اخیر بورش سبعانه به قتل عام ها و اختناقات سیاسی آموزنده که علیه استبداد ایران برپا داده و دوستان پیشین وطاهر اختناق و فساد سیاسی واقتصادی واجتماعی، قیام کرده اند، مدعا شهید برجسته ای نهاده است. این خون های گرانبها - این شکوه ها وشقایق های آزادی - آخرین امواج دریای خونی نیست که رژیم خود کامه ولرزان شاه در ماههای اخیر شهرهای میهن را غرق بدنبال را در آن غرق کرده میبرد. همان نسبت که جنبش انقلابی خلق های ایران گامان و گسترش بیشتر می یابد، در زخم تازه ایرانی جنایات بزرگتر وریختن خون های بیشتر که به خیال او بتواند تاج و تخت غرقه در نکبت وتباهی ایرانیان را در دهد، غرق می سازد. اولین موج های سهمگین انقلاب به تلاطم افتاده انقلابی که در آن توده ها، مناسب ترین شیوه ها وتاکتیک های مبارزه را می یابند و به کار می گیرند و طی رشد ضعف نسبی سازمان های سیاسی، با ابتکارات خلاقه، با دلاوری رعب انگیز و توجه کسروا و تجربیات مبارزاتی خلق های ایران در طول تاریخ پرنج وزهر معاصر، اصلی ترین هدف ها و آماج ها را با پی گیری تزلزل ناپذیری نشانه گرفته است. جنبش جنین وسیع، توده ای ومبارزه جوی در یگانگی طی خود صدای تمامی طبقات و اقشار ضد سلطنت طلقه، ضد دموکراتیک و ضد امپریالیستی را به طنین پرخروشی در آورده است. در طول تاریخ چند صد ساله اخیر ایران همتا وسابقه ندارد. این جنبش انقلابی که مصمم به واژگون بنیاد های پوسیده سلطنت قرون وسطائی وطاهر ضد ملی و خفه ندآمیز و ارتجاعی آنست، نه تنها در شهرهای بزرگ، نه تنها در شهرهای دورافتاده، بلکه به دهات و آبادی های دور دست نیز ریشه دانسته. ویژگی این جنبش گسترده و انقلابی، بهره گیری ماهرانهٔ آن از سنت های ملی وانقلابی ومذهبی و تکیه داشتن بر این ویژگی هاست. در شرایطی که به طل گونه کون بوار آن جلسه دیکتاتوری وحشیانه و لجام گسیخته وسرکوب کننده سازمان ها واحزاب و ارگان های ملی وسیاسی نتوانستند مناسب با رشد جامعه وطبقات ونیروهای مترقی و ضرورت های سیاسی واجتماعی توسعه یابند، جنبش خلقی ایران این ضعیفه و کمبود را با استفاده از امکانات خاصی که مذهب ومؤسسات پیوسته به آن به طور طبیعی از آن برخوردار است، تا حدی جبران کرد. مذهب با سنن مشخصی که مردم آن را با افتخار وسیعی از مردم در رابطه قرار می دهد، با برخورداری از تریبون منبر که در موقعیت سانسور و اختناق نقش بارزتری کسب می کند، با داشتن مراکز تجمع و تبادل عقیده ونظر وتصمیم گیری، نظیر مسجد و غیره راهی را گشود که در برخورد با رویه های مسلوب بیشکوه و سرکوب پلیسی کارآیی بسیار از خود نشان داد. این در وضعی بود که از یک سو افشار وابسته به مذهب که عمدتاً خرده بورژوازی وافشار متناسب بورژوازی بودند، زیر شدیدترین ضربات حکومت ضد ملی سرمایه داران کلان و زمین داران بزرگ (که درهم پیوندی با امپریالیسم جهانخوار هستند) مواضع اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را در معرض فساد سریع می دیدند و در اعتراض رضایی ها و تضادهایی که با رژیم شیوه های حکومتی آن داشتند، بعمد آن مبارزهٔ مرگ وزندگی را نه میدند، و از سوی دیگر کارخانه ها وکارگاهها و مراکز کارگری که پیشروترین نیرو های انقلاب وتحول رادر خود نهادند، چون در زمان نظامی و سرباز خانه هایه شدت کنترل می شدند، هر حرکت و عطا هرکارگری با گلوله در دمن خرد می شد و سندیکاها و اتحادیه های کارگران وزحمتکشان باد خالفه مستقیم وجریان وشقن ساواک وپلیس از محتوی وظیفه اصلی خود دور افتاده بودند. حرازیر شدن توده های وسیع روستایی از دهات به شهرها وجای گرفتن بسیاری از این آوارگان روستا در کارخانه ها وکارگاه ها، خود به تشکیل طبقه کارگر ایران را رقیق کرده بود. چرا که رانده شدگان زمین روستا، محصلت های دهقانی محافظه کار و خرده بورژوایی را با خود به مراکز صنعتی وکارگاهی شهرها آورده بودند و زمان لازم بود تا این کارگران تازه، با تجربه مستقیم خود در مناسبات استثمارگرانه کار وسرمایه، در زیر فشارها وتضادهای شدید اقتصادی و آنگاه سیاسی به حقوق و آگاهی های طبقاتی خود واقف شوند و رسالت تاریخی و پیشتازی انقلابی خود را بر عهده بگیرند.

در این اوضاع واحوال، بخش مهمی از روشنفکران انقلابی به جای ایجاد رابطه با طبقهٔ صبا انقلابی کارگر، به جای این که در میان از اصناف و اقتصادی آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم شرکت کنند و این مبارزات مطالباتی را به مبارزات سیاسی ارتقاء دهند، به جای این که تئوری وجهان بینی علمی وانقلابی طبقه کارگر را به میان این طبقه ببرند و رواج دهند وسرانجام به جای هرگونه کارتبلیغی و ترویجی که می بایست زمینه فعالیت سازماندهی آنها در میان کارگران - به ویژه کارگران متمرکز ترین پیشرفته ترین صنایع - می شد، به نبرد تن به تن با گروه ها و دارودسته های رژیم پرداختند و در ازای گرفتن جان تنی چند از این پست فطرت های بی ارزش، خون صدها تن از لبریزترین و فداکارترین مبارزان انقلابی را به خاک ریختند و زندان ها وشکنجه گاه ها را با هزاران تن از آنان انباشتند.

این کمبود ها، این ویژگی ها، این پراکندگی و زدن خاک خود به چشم، موجب ضعف سازمان های واقعاً انقلابی و از یک گاه دیگر تا حدی تحت تاثیر ضعف این سازمان ها بود، زمینه را برای ابتکار عمل وفعالیت خرده بورژوازی واقشار دیگر بورژوازی طی مبارزه که به آنان امکان داد تا با استفاده از مکتب، وات طبیعی و امتیازات ویژهٔ خود، دیگر زحمتکشان وحتی قسمت های بزرگی از پیکر طبقه کارگر را بدنبال خود بکشند وفضای اجتماعی را با ایدئولوژی خاص خود مسمومی در اشکال مختلف وزیر پوشش های گوناگون، مسرشار کنند.

جنبش انقلابی ایران با این خصوصیت گسترده شد، در چنین بزرخ مبارزان خود را با ویژگی های مختلف را تجربه کرد. مشعارهای مناسب خود را یافت، ضعیف ترین حلقه های زنجیر سکوتش را نشانه گرفت، اصلی ترین وعمده ترین هدف های سیاسی را در برابر خود قرار داد و در محور آن بر دامنه ترین فعالیت ها و افشاگری ها را انجام داد. مرحله به مرحله بر نقاط ضعف خود به طور نسبی چیره گشت، چپ روی ها، خرابکاری ها، ماجراجویی ها وحتی انحرافات گاه پیگاه را که طبیعت جنبش های جنین گسترده وفاقد سازمان سیاسی سراسری است، کاهش داد و با این حقیقت ها هم دست سازی های که به حساب جنبش انجام می دادند در کوتاه وبا حد زیاد عملی نمود وهم توجه عناصر کم تجربهٔ درون جنبش را که در توفان خشم و عصیان شتابزده خود به سوی این کمبودها می گرائیدند، معطوف به اصلی ترین ومهم ترین هدف ها ساخت.

... وباینکه مهمترین دست آورد جنبش پویا دامنه وانقلابی ایران در پدیده پیوستن متقابل است که با طبقه کارگر - این موتور نیرومند و متحرک همهٔ دگرگونی های اساسی وانقلابی - برابر گردیده است. جنبش سراسری در دیوارها وسد های دیکتاتوری شکن و خونریز رخنه می اندازد. خیزوزنه ای که در این دیوار فطور وارد می شود، امکان ارزشمندی است که به خدمت کارگران در راه حصول به خواست های مطالباتی وسیاسی شان در می آید. در روحی کارگران با پیوستن به جنبش، آن را عمیق تر و مهاجم تر می کنند. به آن استمرار می دهند و افق هایش را می گسترانند. در این رابطه فعال و دوجانبه، کارگران که در حال حاضر عمدتاً در موج های جنبش حل شده اند، به طور پراکنده و انفرادی خود را به خدمت آن گذارده اند، مجال مناسب تری می یابند تا به صورت طبقه ای مستقل با خواست ها وآرمان های ویژه خود متشکل شوند و در اطراف حزب سیاسی خود گرد آیند، به عنوان طبقه ای متمایز وانقلابی در جنبش عمومی خلق فعالانه شرکت جویند و آن را به پیش برانند. بدینسان لزوم اکنون از مبارزه های سیاسی جنبش انقلابی ایران، صدای گام های موزون کارگران را می توان شنید، صدایی که تفسیر ادامه مبارزه تا به آخر وخاداری به انقلاب پیروزی نهایی است.

www.iran-archive.com

# آنهایی که در لباس مبارزه با رژیم به یاری او آمده اند

جنبش نیرومند خلق، رژیم ضد ملی وضد خلقی شاه را به پاره ای عقب نشینی های محدود واداشته است وامکان احیاء وایجاد تشکل های طبقاتی برای بخش هایی از خرده بورژوازی واقشار مختلف بورژوازی تا حدودی فراهم آورده است. در چنین شرایطی عناصر وابسته به بورژوازی بزرگ لیبرال که در شرایط رشد وتعمیق بی وقفه جنبش عمومی مردم منافع خود را در خطر یافته وبا رژیم ضد خلقی وضد ملی شاه از در سازش در آمده اند، وحشت زده از سرنوشت خویش می کوشند جنبش را از حرکت بازدارند و خواست های آن را در محدوده خواست های خود که از چارچوب احیای قانون اساسی ورژیم مشروطه سلطنتی فراتر نمی رود، محصور نمایند. عناصر وسیاستمداران کهنه کار وابسته به این بورژوازی که تا دیروز برسرخوان یغما و غارتگری بی بند وبار رژیم ضد ملی نشسته بودند اکنون به شتاب وارد عرصه سیاسی می شوند و می کوشند با حزب سازی وجمعیت تراشی در "فضای بازسیاسی" ادعایی رژیم جایی برای خود دست وپا کنند وخود را در نقش رهبران ملی و مدافع آزادی وحقوق اساسی مردم نشان دهند.

آنهایی که در لباس مبارزه با رژیم به یاری او آمده اند، با نطق های پرا و اعلامیه های پرطول و تفصیل در مدح آزادی و مذمت دیکتاتوری، می خواهند دست آوردهای پر ارزش جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم ایران را به حساب خود بگذارند ویا از آن به نفع خود سوء استفاده کنند. حالا که عمر رژیم شاه به سر آمده و مورد تابه زباله دان تاریخ سپرده شود، این آقایان فاحشه های سیاسی که پاره ای از آنها همین تازگی حساب خود را از ارباب ورشکسته شده خود جدا کرده اند، می خواهند با تکرار برخی از کم صدق ترین شعارهای جنبش مردم، در عرصه سیاسی جامعهٔ پس از سرنگونی رژیم نیز موقعیت خود را حفظ کنند وجای پای محکمی به دست آورند. اینها باید بدانند که مردم ایران بیش از آن آگاه و هوشیارند که لفاظی های توخالی وشعارهای دم بند سیاسی آنها را مدح "آزادی"، آنان را بفریبد.

سیاستمداران جاه طلب وفرصت جویی نظیر مظفر بقایی کرمانی که سوابقش در زمینه خیانت ملی ایران با خیانت ها واختلالگری ها وانشعابهای متعدد در حساس ترین لحظات جنبش، برهیچ کس پوشیده نیست و همواره مبارزه با کمونیسم را در صدر برنامه های سیاسی خود داشته ودر جریان کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد با خیانت به جنبش ملی، به همکاری علنی با کودتاگران پرداخت وحتی در دادگاه به آن اعتراف کرده و از آن مرحله خود استفاده نمود، اکنون نیز با اوج گیری جنبش بار دیگر وارد میدان شده و در راس حزب ادعایی به اصطلاح "زحمتکشان" می خواهد خود را مدافع آزادی وحقوق اساسی مردم نشان دهد. این سلطنت طلب لیبرال در شرایطی که تمام مردم ایران یکصدا سرنگونی رژیم سلطنت مطلقهٔ شاه را می خواهند، اعلام میدارد که گویا "هرگونه تغییر شکلی در نظام جامعه به صلاح مملکت نیست وکشور را در برابر خطر تجزیه قرار می دهد" (که به نظر می رسد این جمله را از شاه وام گرفته باشد) وپاسرافرازی اعلام می نماید که "یکی از کارهای عمده ما مبارزه با کمونیسم است" (که باز در این مورد هم با شاه همراه و هم رأی است)؛ و علی امینی، رجل سرشناس و مرد هزارچهره صحنه سیاست، آس امپریالیسم برای لحظه های بحرانی، مرد لحظه هایی که منافع بنیادی واساسی امپریالیسم آمریکا به خطر می افتد وبالاخره عامل وتدارک چی قرارداد اسارت بار امینی-پیتچ، یعنی همان قرار داد تحمیلی که پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد امتیاز نفت ایران را به کنسرسیوم غارتگر بین المللی نفت سپرد؛ و محمد درخشش، که با تکیه استخوان پوسیده کش که امینی به صورت پست وزارت فرهنگ جلوی او انداخت، به جنبش مردم ونهضت معلمان که در راه خواست های صنفی وسیاسی خود جانبازانه خون داده بود، از پشت خنجر زد و عجبا که امروز نیز با نیمه نمایندگی ادعایی همان معلمان وفرهنگیان وارد گود سیاست شده به این امید که شاید بازلقمه چرب تری نصیبش شود؛ ومحسن پزشکپور، نماینده مجلس شبه ساخته رستاخیزی، و رهبر حزب فاشیستی پان ایرانیست که اعضایش را اوباشان وخدا ره بنشانی تشکیل می دادند که سالها در داخل وخارج کشور به عناصر و افراد وابسته به سازمان های انقلابی ودموکراتیک، به ویژه حزب تودهٔ ایران ناجوانمردانه حمله می بردند و در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد نیز در این زمینه پیشقراول بودند وپس از آن نیز همواره در جهت تائید و ستایش رژیم منفور شاه "پیکار" می کرده اند؛ ونیز افراد شناخته شده ای نظیر سیف الدین نهوی که روابط مشکوک اوباساواک به عنوان مشاور پزشکی ساواک برای مسیاری از مبارزانی که از دخمه ها و شکنجه گاه های شاه گذشته اند روشن است واکنون با ساختن "حزب لیبرال اسلامی" می خواهد در صف مبارزان ضد رژیم جایی برای خود دست وپا کند تا منافع آتی خود را تأمین نماید؛ و فضل هایی مثل سپهر با حزب به اصطلاح "سوسیالیستی" آریایش، که چون مأموت های ماقبل تاریخ در پارک جان گرفتند، حزبی که اوباشان خدا ره بند ش در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد با چاقو وچماق به تظاهرات مردم به ویژه مبارزان توده ای حمله می بردند و در صفوف نهضت ملی به اختلالگری وخرابکاری می پرداختند وبه قول همین آقای سپهر در کودتای ارتجاعی ۲۸ مرداد نقش چاکران امپریالیسم را بازی کردند، وهمچنین خرد مپاهایی نظیر دولو قاجار، ناشر مجله مبهوع و سکسی "این هفته" و قاچاقچی معروف مواد مخدر که افتضاح قاچاق هروئین او و دستگیریش در فرودگاه رم به عنوان همدست اشرف، خواهر دوقلوی شاه، مدتها نقل محافل جهان غرب بود وحالا حزب به اصطلاح "دموکراتیک" تشکیل داده است (عجب وقاحتی!)

چنین است فهرستی بسیار ناقص (به مصداق مشت نمونه خروار) از کهنه رندان عرصهٔ سیاست ایران که باسوابق بسیار درخشانشان (؟) اکنون در شرایط "فضای بازسیاسی" اهدایی ملوکانه!! که گروهک ها حزب نمای سیاسی چون قارچ می رویند، می کوشند برای خود محلی از اعراب بیابند و برای آینده خود سرمایه ای فراهم آورند.

اما جنبش گسترده انقلابی خلق با آگاهی وهوشیاری چنین خس و خاشاک های زهرآگین را از پیش پای خود خواهد روبید واجازه نخواهد داد که دستاوردهایش بازیچه مشتی سیاست باز دغلکار وغارت پیشه و وابسته به امپریالیسم که به مثابه "گرگ در لباس میش"، ضد دموکرات هایی با پیرایه دموکراسی هستند، قرار گیرد.

## با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند: بکوشید براساس رهنمود های سازمانی، گویه انقلابی بوده ای به وجود آورید وبا مرکز حزب تماس بگیرید. ما با ابتکار وتحکیم رابطهٔ مستقیم با مرکز حزب را به همه هواداران حزب توصیه می کنیم وبه آن ها اطمینان میدهیم که حزب ما با تمامی نظر همه مناسبه در شیوهٔ کارسازمانی خود وانتخاب آن با شرایط اختناق ساواکی، امنیت چنین تماسی را، تا آنجا که به مرکز حزب مربوط می شود، تضمین می کند. برقراری چنین رابطه ای به تقویت حزب در طیاس سراسر کشور کمک می کند وامکان می دهد که درباره سیاست حزب مشورت وسیع تری به عمل آید ونظر وتجربه گروه ها وسازمان های مبارز حزبی به حساب آورده شود.

برای برقراری تماس مستقیم میاید یکی از رفقای مدد رجه مورد اطمینان شما از ایران از طریق یک تلفن عمومی بدون دادن نام و نشان خود به شماره های ۷۹۳۳۴۹۹ و ۷۹۰۰۲۱۴ در پاریس تلفن کند واتاق پاییر Bayer را بخواهد. آن دوستان شماره تلفنی را که با آن می توانید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد. نه در تلفن اول ونه در تلفن دوم نام واقعی ونشانی خود را نگوئید. خود را به نام مستعار معرفی کنید وبه راهنمایی هایی که به شما خواهند شد دقیقا توجه کنید.

در اینجا لازم است به همه هواداران حزب در ایران یاد آوری کنیم: از دام هایی که ساواک می گسترد، حذر کنید و همواره به این نکته توجه داشته باشید که گرفتن پیام از مرکز حزب و داشتن رابطهٔ گرفتن نشریات از مرکز حزب هیچ کدام ضمانتی برای صلاحیت سیاسی افراد در ایران نیست. بنابراین اعتماد خود را به صلاحیت سیاسی افراد تنها بر پایه تجربه انقلابی خود در آن ها و شناخت همه جانبه آن ها و روش بینی سیاسی وچگونگی چاپه داری آنها در مبارزهٔ انقلابی قرار دهید.

ما در راه خلق حرکت می کنیم. هدف ما به حق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

از برنامهٔ حزب توده ایران:

## واژگونی رژیم فرتوت سلطنتی و استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک

## شرط ضرور تحول انقلابی ایران در مرحلهٔ کنونی است